

علت ها و دلایل قیام عاشورا



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء محمد

مصطفی و آل طاهرینش

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبَشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(توبه ایه 111)

یقیناً خدا از مؤمنان جان ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده؛ همان کسانی که در راه خدا پیکار می کنند، پس [دشمن را] می کشند و [خود در راه خدا] کشته می شوند [خدا آنان را] بر عهده خود در تورات و انجیل و قرآن [وعده بهشت داده است] وعده ای حق؛ و چه کسی به عهد و پیمانش از خدا وفادارتر است؟ پس [ای مؤمنان!] به این داد و ستدی که انجام داده اید، خوشحال و شاد باشید؛ و این است کامیابی بزرگ.

اشهد انك قد اقامت الصلوه و اتيت الزكوه و امرت بالمعروف و نهيت
عنك المنكر....

من شهادت می دهم که شما ای امام حسین(ع) نماز را برپا نمودی. زکات
دادی. امر بمعروف و نهی از منکر نمودی....

مهم ترین قیام برای خدا در تاریخ بشریت قیام حسینی بوده است.
امام حسین علیه السلام قیام کرد تا دین را احیا نماید. و اگر قیام نمی کرد
الان از اسلام خبری نبود.

ایه الله العظمی سید احمد خوانساری وقتی می خواستند نماز یومیه
بخوانند بعد از اذان و اقامه و قبل از تکبیره الاحرام می فرمودند. السلام
علیک یا ابا عبد الله.. الله اکبر... می پرسیدند چرا قبل تکبیره الاحرام به امام
حسین علیه السلام سلام می دهید؟ می فرمود چون این نماز را. این منبر را
از امام حسین علیه السلام داریم.

و همانطور که حضرت در وصیتنامه نوشتند هدف رسیدن به حکومت نبوده است.

ما در این کتاب به اهداف مختلف قیام حسینی اشاره نموده ایم.

این نکته را عرض کنیم که اگر هر کدام از امامان معصوم علیهم السلام جای امام حسین علیه السلام بودند آنها هم مانند سیدالشهداء(ع) قیام می کردند. مثلاً اگر امام حسن مجتبی علیه السلام جای برادرش بود او هم قیام می کرد. و بر عکس اگر سیدالشهداء(ع) جای امام حسن مجتبی علیه السلام بود او با معاویه صلح می نمود.

امید است مطالب این کتاب برای خوانندگان گرامی مفید واقع گردد.

بهار 1404. کرمانشاه

ده علت قیام حسینی:

هدف اول: اصلاح امت

امام حسین (ع) در وصیتنامه‌ای کوتاه، اما بسیار پرمحتوا به برادرش محمد حنفیه می‌نویسد: "من از سر هوا و هوس قیام نکردم و قصد افساد و ظلم به دیگران هم ندارم، (و در پی پست و مقام و مال دنیا هم نیستم) **"بلکه به منظور اصلاح امت جدّم قیام کرده‌ام"**

هدف دوم: امر به معروف و نهی از منکر

این هدف، هم در کلمات امام حسین (ع) آمده است و هم اصحاب آن حضرت به آن اشاره کرده‌اند و هم پیروان او و شیفتگان حضرتش در زیارتنامه‌ها آن را زمزمه می‌کنند

امام حسین (ع) در وصیت نامه‌اش خطاب به محمد حنفیه فرمود: "**هدف**
من از قیام امر به معروف و نهی از منکر است." در زیارتنامه‌های مربوط
به امام حسین (ع) از جمله زیارت وارث می‌خوانیم: "شهادت می‌دهم
که تو "امام حسین (ع)" نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی و امر به
معروف و نهی از منکر کردی و تا هنگام شهادت از خدا و رسولش
اطاعت کردی."

هدف سوم: احیای سنت پیامبر اکرم (ص)

امام حسین (ع) می‌فرماید: "شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر اسلام
دعوت می‌کنم چرا که سنت رسول خدا را میرانده و بدعت را احیا کرده
اند." و در جای دیگر خطاب به برادرش محمد حنفیه می‌فرماید: "می
خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و طبق سنت جد و پدرم عمل
نمایم."

هدف چهارم: حمایت از حق و مبارزه با باطل

امام حسین (ع) پس از رو به رو شدن با لشکر حرّ می فرمود: "ای یاران من! آیا نمی بینید که حق فراموش شده و و باطل صحنه جامعه را فرا گرفته است؟ در چنین شرایطی انسان مومن باید (در مسیر زنده کردن "حق و میراندن باطل) آماده لقای الهی باشد

هدف پنجم: تشکیل حکومت اسلامی

یکی از مهمترین اهداف قیام امام حسین (ع) تشکیل حکومت اسلامی بود. امام حسین (ع) برای اینکه صرفاً به شهادت برسد به کربلا نیامد بلکه در پی اهدافی از جمله تشکیل حکومت اسلامی عزم کربلا کرد؛ هر چند که می دانست در پایان شهید می شود. در جمله‌ای از آن حضرت می خوانیم: "بار خدایا! تو خوب می دانی که انقلاب و نهضت من به خاطر حکومت و سلطنت بر مردم و دستیابی به زرق و برق دنیا نبوده بلکه

هدف من از حکومت، ارائه معالم و نشانه‌های دینت به مردم ، و اصلاح بلاد و شهرها و ایجاد امنیت برای بندگان و عمل به فرایض و سنتها و احکام توسست

هدف ششم: مبارزه با جهل

یکی دیگر از اهداف قیام امام حسین (ع) که در زیارت اربعین به آن اشاره شده مبارزه با جهل و نجات مردم از ضلالت و گمراهی است. در این زیارت می‌خوانیم : " امام حسین خون قلبش را در راه تو داد(و نهایت ایثار و فداکاری را کرد) تا بندگان را از جهل و نادانی و حیرت و "سرگردانی نجات دهد

هدف هفتم: اجرای عدالت

امام حسین (ع) می فرماید: "رسول خدا (ص) فرمود: هر کس حاکم ظالمی را مشاهده کند که (در اثر ظلم و جور) محرمات الهی را حلال شمرده و عهد و پیمان های الهی را شکسته و با سنت و سیره رسول خدا مخالفت کرده و در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل می کند و در مقابل چنین حاکم ستمگری هیچ گونه عکس العمل گفتاری یا رفتاری از خود بروز ندهد خداوند چنین انسانی را در جایگاه همان ظالم ستمگر داخل می کند."

هدف هشتم: مقام شفاعت عظمی

در سجده های که در پایان زیارت عاشورای حسینی انجام می شود بعد از حمد و ستایش خداوند، خدا را به سبب تحمل مصیبت آن حضرت شکر

می گوییم، سپس عرضه می داریم: "خدایا شفاعت حسین را روز ورود در صحنه محشر به من روزی کن، خداوندا گام های مرا از روی صدق نزد خودت با حسین و یارانش ثابت بدار همان یارانی که خون خود را تقدیم او کردند." استجابت دعا زیر قبه آن حضرت و بودن شفا در تربت پاکش جلوه های دیگری از این شفاعت عظمی است.

هدف نهم: افشای چهره منافقان

خطر منافقانه بنی امیه که در لباس خلافت اسلامی همه مقدسات اسلام را زیر پا گذاشته و یکی را پس از دیگری محو می کردند همچنین جمعی از کوفیان پرمدعای منافق که بر امام حسن (ع) به خاطر صلحش آن همه ایراد کرده و تقاضای قیام از امام (ع) می کردند می بایست رسوا می شد.

هدف دهم: امتحان گسترده مسلمین

بعضی از شیعیان پرادعا و کم محتوا که خود را فدایی پاکباز آن حضرت می پنداشتند باید در کوره امتحان فرو می رفتند و بازماندگان صحابه و یاران پیامبر که بارها وصف امامان حسن (ع) و حسین (ع) را از ایشان شنیده بودند و کسانی که آرزو می کردند در جنگ های بدر و احد در خدمت آن حضرت بوده و شربت شهادت می نوشیدند و آنها که تأسف می خوردند که ای کاش در رکاب علی (ع) با "ناکثین" و "قاسطین" و "مارقین" پیکار می کردند همه و همه باید به امتحان فراخوانده می شدند و لذا قیام سید الشهداء آزمونی برای همه آنها بود؛ ولی از این کوره آزمون بزرگ تنها اندکی پاک بیرون آمدند . امام (ع) در پاسخ کسی که عرضه داشت ایشان به کربلا نرود، فرمود: "اگر در مکان خود اقامت کنم پس این خلق بخت برگشته به چه چیز امتحان شود و به چه چیز". آزموده گردد؟

تأثيرات جهانی قیام حسینی

در اواخر سال 60 ق معاویه در گذشت و مردم با یزید بیعت کردند. از جمله افرادی که از بیعت با یزید سرباز زدند، می توان به حسین بن علی (علیه السلام)، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر اشاره کرد (ابراهیم حسن، 1380: 348). هنگامی که یزید به خلافت رسید، مخالفانی که در زمان پدرش جرأت اقدام نداشتند به پا خواستند. یکی از این گروه ها هواخواهان علی (علیه السلام) در کوفه و دیگری مردم مدینه بودند که عبدالله بن زبیر آنها را رهبری می کرد (آربری و دیگران، 1377: 130).

ایام خلافت یزید یکی از شوم ترین و نفرت انگیزترین دوره تاریخی اسلام است. یزید در مدت سه سال و نیم حکومتش حسین بن علی (علیه السلام) را به شهادت رساند، مدینه شهر پیامبر (صلی الله علیه و آله) را غارت کرد و خانه کعبه را به سنگ و آتش بست (زرین کوب، 1382: 119).

یکی از کارهای مهم یزید پس از به حکومت رسیدن، گرفتن بیعت از پنج نفر بود، که در این بین بیعت حسین بن علی (علیه السلام) و عبدالله بن زبیر از اهمیت خاصی برخوردار بود (فیاض، 1374: 181). در همان ایام مردم کوفه فردی را نزد امام حسین (علیه السلام) فرستاده اعلام کردند که ما در انتظار بیعت با تو هستیم و در این راه آماده مرگ می (باشیم) (مسعودی، 1378: 2/ 58).

ولید حاکم مکه به امام حسین (علیه السلام) گفت؛ جمله مسلمانان با یزید بیعت کرده و بر حکومت او راضی شده اند، انتظار است که تو هم بیعت کنی. حضرت فرمود؛ این کار بزرگی است که در خفیه انجام شود، فردا مردم را بخواهید آن گاه ما هم حاضر خواهیم شد تا آنچه صلاح باشد به جا آوریم (ابن اعثم، بی تا: 704). اما پس از چند روز به همراه خانواده و یاران خود راهی مکه منوره شد. وقتی که امام حسین (علیه السلام) از مدینه خارج و وارد مکه شد، اهالی مکه با گشاده رویی به استقبالش (آمدند و شب و روز به خدمت وی حاضر می شدند) (همان، 713).

عزیمت به عراق

امام حسین(علیه السلام) در مکه بود که مسلمانان کوفه مجدد فردی را نزد آن حضرت فرستاده و وعده دادند که اگر مقر او در کوفه باشد، او را حامی خواهند بود (دورانت، 1378: 4/ 249). مردم کوفه قریب به یک صد نامه به امام حسین(علیه السلام) نوشته و افراد بسیاری را واسطه قرار دادند تا آن حضرت قبول کند. در نهایت امام(علیه السلام) در جواب نوشتند؛ نامه های بسیاری از شما رسید که بر من حجت شد که خواهان من هستید، بنابراین تأخیر و اهمال را جایز ندانسته، ابتدا پسر عم خود، مسلم بن عقیل را که مردی دانشمند است و دارای حلم و بردباری، نزد شما اعزام خواهم کرد تا صدق و راستی نهایی عهد شما را (بیازماید (تتوی، 1382: 2/ 730).

امام حسن(علیه السلام)، آن هنگام که در بستر مرگ بود به برادرش حسین(علیه السلام) گفت: ای برادر مبادا اهل کوفه تو را اغوا کرده وارد جنگ کنند. از اینان بر حذر باش که بر عهد آنان اطمینانی نیست

(صادقیان تالشی، 1398: 70). عمرو بن عبدالرحمان مخزومی هم آن حضرت را بر حذر داشت و گفت: من بر تو از این سفر بیمناکم، به شهری می روی که عاملان و امیران را اطمینانی نیست. مردم این شهر، بندگان درهم و دینارند. ترس آن دارم که افرادی که وعده یاری داده اند با تو بجنگند (طبری، 1374: 7/ 2963). ابن عباس هم گفته بود: «خدا ترا از این سفر محفوظ دارد، خدایت قرین رحمت بدارد. به من بگو آیا سوی قومی می روی که حاکمشان را کشته اند و ولایتشان را به تصرف آورده اند و دشمن خویش را بیرون رانده اند، اگر چنین کرده اند سوی آن ها رو، اما اگر ترا خوانده اند و حاکمشان آنجاست و بر قوم مسلط است و عمال وی خراج ولایت می گیرند ترا به جنگ و زد و خورد دعوت کرده اند و بیم دارم فریبت دهند و تکذیب کنند و مخالفت تو کنند و یاریت نکنند و بر ضد تو حرکتشان دهند و از همه کس در کار دشمنی تو سخت تر باشند» (طبری، 1374: 7/ 2965). امام حسین(علیه السلام) در پاسخ گفت: «از خدا خیر می جویم، بینم چه خواهد بود».

همانطور که گفته شد امام حسین(علیه السلام) در سال 61ق از بیعت با یزید خودداری کرد و با دعوت های مکرر عراقیان که او را جانشین بر حق امام علی(علیه السلام) و امام حسن(علیه السلام) می دانستند، با گروهی اندک از نزدیکان خود، زنان و فرزندان راهی کوفه شد (حتی، 1380: 247). عواملی که باعث قیام آن حضرت شد، به شرح زیر است:

- 1- حکومت وقت، ستمکار بود و در عین ستمکاری بیعت اجباری را درخواست می کرد؛ 2- دعوت مردم کوفه و اعلام حمایت آنها برای ایجاد حکومت اسلامی؛ 3- زنده نگهداشتن امر به معروف و نهی از منکر ((نعمانی، 1381: 12).

به هر روی آن حضرت تصمیم گرفت که مسلم بن عقیل را برای راستی آزمایی اهالی کوفه اعزام کند. امام(علیه السلام) در مسیر حرکت به کوفه، وقتی به ثعلبیه رسید، از کشته شدن مسلم و حامی او هانی بن عروه باخبر شد. این خبر ادامه حرکت به سوی کوفه را با تردید روبه رو ساخت. اما عواملی چون، اصرار و پافشاری فرزندان مسلم و نیز همراهان دیگر، آن حضرت را مجاب به ادامه حرکت به سوی کوفه کرد (حیدری، آقایی و دیگران، 1386: 1/ 163).

مسلم قبل از کشته شدن به عمر سعد گفت: من به دستور حسین(علیه السلام) به این سرزمین برای احیای امر به معروف و نهی از منکر وارد شده ام، اما شما تصمیم به کشتن من دارید. از تو ای عمر سعد خواسته ای دارم که بعد از کشته شدن من نامه ای به حسین بن علی نوشته و او را از حال من خبردار کنی و از او بخواهی که به عراق نیاید (ابن اعثم، بی تا: 736). در همان حین، هانی بن عروه را نیز به جهت این که مسلم بن عقیل را در خانه خود جا داده بود، کشتند (یعقوبی، 1382: 2/ 179).

هنگامی که امام حسین (علیه السلام) بر سرزمین کربلا فرود آمد، فرمود که بارها را در یک طرف فرات خالی کرده، خیمه ها را بر پا کنند (ابن اعثم، بی تا: 754). در این محل عبیدالله بن زیاد در سرزمین کربلا مانع حرکت و پیشروی آن حضرت شد، زمینه جنگ و درگیری را فراهم ساخت (آربری، 1377: 131). روز دهم محرم سال 61ق حسین(علیه السلام) نماز جماعت صبح خود را خواند، یارانش سوی چادرهای خود رفتند تا سلاح پوشیده، آماده دفاع شوند (رهنما، 1378: 362). ابن زیاد

لشکری به فرماندهی عمر بن سعد بن ابی وقاص به سوی او فرستاده بود، دو گروه در مقابل هم قرار گرفتند، امام حسین (علیه السلام) و یارانش چنان جنگی کردند که هرگز کسی مانند آن ندیده بود، در نهایت آن (حضرت و یارانش به شهادت رسیدند (طبا طبأ، 1389: 157).

وقتی که سر حسین (علیه السلام) را نزد ابن زیاد آوردند، ابوبرزه را طلبیده از وی پرسید؛ حال من و حسین در روز قیامت چگونه خواهد بود؟ ابوبرزه ابتدا از جواب دادن امتناع کرد و گفت: ای امیر، خدای سبحانه و تعالی می داند. اما اصرار ابن زیاد بر شنیدن جواب، ابوبرزه را مجاب کرد که پاسخ دهد. وی گفت: گمان من آن است که در روز قیامت شفیع و مددکار حسین (علیه السلام)، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) خواهد بود و از آن شما هم پدِرت زیاد شفاعت خواهد کرد. ابن زیاد از این جواب خشمگین شده گفت: از مجلس ما بیرون برو، یقین بدان که اگر در حمایت و رعایت من نبودی گردن تو را می زدم. پس ابوبرزه از مجلس خارج شده و دیگر هیچ وقت به مجلس ابن زیاد حاضر نشد (تتوی، 1382: 2 / 844).

حرکت تاریخ ساز امام حسین(علیه السلام) حائز اهمیت و دارای پیام انسانیت بود. پیام آن حضرت به همه مردم جهانیان این بود که مرگ برای فرزند آدم زیباست. مرگ چون گردنبندی است که در گردن (دختری زیبا و جوان نقش بسته است (شریعتی، 1391: 136

پس از این واقعه تاریخی، افرادی نظیر مختار با جمع کردن عده ای که از یاری رساندن به امام حسین(علیه السلام) در آن زمان نادم و پشیمان بودند به خونخواهی حسین بن علی(علیه السلام) برخاست به گونه ای که حتی توفیقاتی یافته و بر کوفه مسلط شد. سلیمان بن صرد خزاعی نیز با همراهی گروهی از کوفیان، قیام توأیین را راه اندازی کرد (زرین کوب، 1393: 95؛ صابری، 1393: 2/ 198).

امام حسین علیه السلام از منظر اندیشمندان و آزادی خواهان جهان

قیام امام حسین (علیه السلام) در طول تاریخ، برای بسیاری از انقلاب ها به عنوان الگو بوده است. امام (علیه السلام) با گروه اندک از یاران خود با جانفشانی، ایثار و گذشت، برای بسیاری از افراد آموزنده بوده و خواهد بود. در طول تاریخ هر انسانی که از سرنوشت حسین (علیه السلام) آگاهی پیدا کرده بر مظلومیتش شهادت داده است. بسیاری از دانشمندان نیز درباره این واقعه دیدگاه های خود را بیان کرده اند که در ذیل به بیان آن خواهیم پرداخت.

مهاتما گاندی؛ رهبر سیاسی و معنوی هندی ها، که ملت هند را در راه آزادی از استعمار امپراتوری بریتانیا رهبری کرد، می گوید: «من برای مردم هند چیز تازه ای نیاوردم فقط نتیجه ای که از مطالعات و تحقیقاتم درباره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم ارمغان ملت هند کردم. اگر بخواهیم هند را نجات بدهیم واجب است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی (علیه السلام) پیمود» (محس زاده، 1379: 97). گاندی در جایی دیگر می نویسد: «من زندگی امام حسین (علیه السلام)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به

صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان
بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین(علیه
السلام) پیروی کند»

ابوالاسود دؤلی؛ از قبیله کنانه، حدود سال ۱۶ قبل از هجرت متولد شد.
او جزو تابعین، عالمی توانا و محدثی بزرگ و از اصحاب علی بن ابی
طالب(علیه السلام) به شمار می رود که در جنگ های متعددی شرکت
جست. وی در صیده ای درباره رفتار ابن زیاد با حسین(علیه السلام)
چنین می گوید: «از فرط غم می گوئیم خدا ملک بنی زیاد را نابود کند و
آنها را به سبب مکر و خیانتی که کردند از میان بردارد، چنان که قوم
(ثمود و عاد را از میان برداشت» (مسعودی، 1378: 2/ 72).

شهادت امام حسین(علیه السلام) در کربلا الگویی برای همه کسانی است
که از اسلام در مقابل کفار دفاع می کنند. به قول محمدعیاشی الکبیری،
امام حسین(علیه السلام) مکتبی از شهادت را تأسیس کرد که این مکتب

برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی الگویی بی همتاست (خواجه
(سروری، 1390: 48).

نیکلسون؛ خاورشناس و اسلام شناس انگلیسی، شارح و مترجم آثار
عرفانی فارسی و اسلامی به زبان انگلیسی می نویسد: «همه مورخان
مسلمان، به جز گروهی بسیار اندک بر ضد امویان هم سخند، حسین بن
علی را شهید می دانند و یزید بن معاویه را سفاک و ستمگر می شمارند»
(ابراهیم حسن، 1380: 352). وی در جایی دیگر می نویسد: «حادثه
کربلا، حتی مایه پشیمانی و تأسف امویان شد. زیرا این واقعه، شیعیان را
متحد کرد و برای انتقام امام حسین علیه السلام هم صدا شدند و صدای
(آنان در همه جا انعکاس یافت» (مجیدی، 1381: 49).

فلیپ خوری حتی؛ استاد لبنانی-آمریکایی در دانشگاه های پرینستون و
هاروارد، در کتاب تاریخ عرب می نویسد: «خون حسین تخمه های
مذهب شیعه را بیش از آنچه پدرش رویانیده بود برویانید. حقا که

مذهب شیعه به واقع روز دهم محرم پدید آمد و از آن روز امامت خاندان علی (علیه السلام) از اصول اعتقاد شیعه شد، چنانکه نبوت محمد (صلی الله علیه و آله) از اصول اسلام است. تذکار واقعه کربلا بانگ جنگی شیعیان شد و در هنگام پیکار فریاد می زدند «یا ثارات الحسین» (یعنی ای انتقام های حسین). چنانکه بعدها حوادث نشان داد این امر از جمله عواملی بود که بنیان دولت امویان را به ویرانی کشانید» (فلیپ خوری، 1380: 248).

ادوارد گیبون؛ تاریخ نگار انگلیسی و عضو پارلمان این کشور که بزرگترین اثر او انحطاط و سقوط امپراتوری روم است، می نویسد: «در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین های مختلف، شرح صحنه حزن آور شهادت امام حسین علیه السلام موجب بیداری قلب خون سردترین (قاریان و خوانندگان خواهد شد» (مجیدی، 1381: 49).

ایرونیك واشینگتن؛ نویسنده و سیاست مدار آمریکایی، مقاله نویس، شاعر، سفرنامه نویس، زندگی نامه نویس و خالق داستان های کوتاه درباره امام حسین علیه السلام می نویسد: «برای امام حسین علیه السلام ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن به اراده یزید نجات بخشد لیکن مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلیفه بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. روح (حسین فناپذیر است)» (مجیدی، 1381: 49)

اکبر احمد؛ صاحب کرسی ابن خلدون در موسسه مطالعات اسلامی و استاد روابط بین المللی در دانشگاه آمریکایی واشینگتن در کتاب اسلام از آغاز تا امروز می نویسد: «قیام کربلا نزد شیعه از اهمیت بسیاری برخوردار است. حسین(علیه السلام) پس از کشته شدن پدر و برادرانش، خانواده و پیروانش را در محرم سال 60 ق علیه خلافت و سپاه یزید رهبری فرمود، اما با مصائب بزرگی روبه رو گردید. در نبردی نابرابر که بین دو سپاه روی داد، هفتاد و دو تن از پیروان حسین(علیه

السلام) به دست سپاهی متشکل از هزاران نفر کشته شدند و سر
(حسین(علیه السلام) را از پیکرش جدا کردند « (احمد، 1389: 66

عبدالرحمن شرقاوی؛ نویسنده مصری، امام حسین(علیه السلام) را راه
دین و آزادی می داند و می نویسد: «حسین شهید راه دین و آزادی
است، نه تنها شیعه باید به نام حسین ببالد بلکه تمام آزاد مردان دنیا باید
(به این نام شریف افتخار کنند)» (محسن زاده، 1379: 74

ژول لابوم؛ خاورشناس فرانسوی، نویسنده کتاب تفصیل آیات القرآن
الحکیم در خصوص علت وقوع حادثه کربلا می نویسد: «علت وقوع
حادثه کربلا برای امام حسین(علیه السلام) فروزان شدن شعله های خشم
و فتنه های داخلی بود که امام حسین (علیه السلام) برای پاسداری از
حریم دین اسلام به عنوان اعتراض و جلوگیری از تجاوزات و فساد یزید
به مقابله و مبارزه برخیزد و خود و خاندانش را برای احیای دین اسلام
فدا کند» (علیشاهی، 1398: 95

شیخ محمد عبده؛ فقیه، حقوقدان و اصلاح گر دینی مصری و به روایت طرفدارانش، از اندیشمندان مسلمان و از پیشگامان نواندیشی دینی در دنیای اسلام است. وی که مفسر نهج البلاغه و از دانشمندان مشهور است، می نویسد: «قیام امام حسین (علیه السلام) بر علیه یزید واجب بود؛ زیرا هنگامی که حکومت عدل برای پیاده کردن دستورات اسلام وجود داشته باشد و حکومت ستم کار آن دستورات را تعطیل کرده باشد بر همه مسلمین واجب است به اولی کمک کرده و دومی را از کار برکنار کنند. از این جهت قیام امام حسین علیه السلام فرزند رسول الله واجب بود علیه پیشوای ظلم و ستم که امورات مسلمین را به دست گرفته بود، یعنی یزید بن معاویه خداوند او و کمک هایش را خوار کند، واجب و از (کرامت و بلند همتی او بود) (محس زاده، 1379: 80).

علامه محمد اقبال لاهوری؛ فیلسوف، سیاست مدار، محقق و نویسنده بزرگ پاکستانی می نویسد: «امام حسین (علیه السلام) و یارانش برای کسب آزادی و گریز از بندگی طاغوت و غیر خدا و اثبات بندگی نسبت به خدا و برخوردار کردن دیگران از آزادی در سایه تعبد الهی قیام

کردند. لذا بهترین درسی که از قیام حسین بن علی (علیه السلام) می توان آموخت، همین حریت خواهی معنوی است. بنابراین، تنها کسانی می توانند پیرو واقعی حسین (علیه السلام) باشند که در درجه اول، آزادی طلب باشند، در ثانی پس از کسب آن، دیگران را هم از آن بهره مند سازند. سپس، تا زمانی که آدمی در درون خود نیازی به آزادی نکند و دشمنان درونی آزادی را شناسد و به در بند بودن خود پی نبرد، هرگز در صدد دانش آموزی از مکتب آزادی بخش بر نخواهد آمد» ((علیقی، 1389: 53).

فلسفه عاشورا، در آزادی بخشی آن است. هر چند که عاشورا، آزادی از موانع درونی و بیرونی را به انسان ها ارزانی می دارد، ولی تقدم با آزادی درونی است، زیرا تا زمانی که آدمی ارزش آن را نداند و قدر آن را نشناسد، هرگز بهره کافی را از آن نخواهد برد.

چارلز دیکنز؛ نویسنده نامدار انگلیسی و برجسته ترین رمان نویس عصر ویکتوریا می نویسد: «اگر منظور حسین علیه السلام جنگ در راه خواسته های دنیایی خود بود، من نمی فهم چرا خواهران و اطفالش را به همراه برد؟ پس عقل چنین حکم می کند که او به خاطر اسلام فداکاری خویش (را انجام داد)» (محسن زاده، 1379: 97).

ابن خلدون؛ تاریخ نگار و جامعه شناس مشهور عرب می نویسد: «این عمل یزید، از اعمالی است که فسق او را نشان می دهد و حسین در این واقعه، شهید و نزد خدا ماجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد (بود)» (ره توشه، 1382: 162).

توماس ماساریک؛ سیاستمدار، جامعه شناس و فیلسوف اهل چک معتقد است: «گر چه کشیشان ما هم از ذکر مصایب حضرت مسیح مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین علیه السلام یافت می شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد

که مصایب مسیح در برابر مصایب حسین علیه السلام مانند پر کاهی
(است در مقابل یک کوه عظیم پیکر « (خبرگزاری تسنیم

قرشی زُهری؛ محمد بن مسلم بن عبیدالله بن عبدالله بن شهاب
(متوفای 124ق) از بنیان گذاران علم حدیث است. زُهری درباره امام
حسین علیه السلام می نویسد: «از کسانی که در شهادت امام حسین علیه
السلام دست داشتند، احدی نبود که پیش از مردن، در همین دنیا به کیفر
خود نرسد. برخی کشته شدند و برخی روسیاه یا مسخ شدند و برخی از
دولت و سلطنت به زیر افتادند. کسانی که می خواستند باغ شهواتِ
نفسانی و امیال شیطانی خود را با خون انسان های پاک و ریحانه پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله و سلم آبیاری کنند، دیری نپایید که دست قهر
الهی به صورت های مختلف از پشت پرده غیب ظاهر شد و باغ و
بهارشان را به رنگ خرمن سوخته و بستان خزان دیده درآورد و کاخ
(جور و ستم را از بنیان برکند» (ره توشه، 1382: 164

ماریین؛ فیلسوف و شرق شناس آلمانی: «... در ظاهر، یزید، حسین علیه السلام و انصارش را کشت؛ اما در باطن، حسین علیه السلام یزید و همه بنی امیه را بدتر از هزار بار کشت. یزید آنها را در یک روز به شهادت رساند؛ اما امام حسین (علیه السلام) او و طرفدارانش را تا ابد و هر روز (می کشد)» (انصاری، 1394: 99).

محمد علی جناح؛ رهبر مسلمانان هند در مقابل استعمار انگلیس و از رهبران هند و پاکستان می نویسد: «هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین علیه السلام نشان داد، در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند» (اکبریان، 1398: 14).

آنتوان بارا؛ نویسنده و متفکر مسیحی معاصر: «امام حسین علیه السلام خود و خانواده اش را فدای رسالت اسلام کرد و با قربانی کردن خود، نه تنها اسلام، بلکه تمام ادیان الهی را احیا کرد». وی در ادامه می نویسد: «رابطه مسیحیان با امام حسین علیه السلام نشأت گرفته از این باور

مسیحیان است که معتقدند انسانی که در راه دفاع از عقیده خود به
شهادت برسد، انسانی بزرگ است و منزلت والایی دارد. بنابراین
شهیدی مانند امام حسین علیه السلام برای آنها یادآور حضرت عیسی
علیه السلام است، به همین دلیل عشق و محبت به امام حسین علیه
(السلام بر هر مسیحی واجب است) (خبرگزاری ایسنا)

مسکین قلیچ؛ شاعر بزرگ ترکمن که در شعر «بلالاردان نشان»، ضمن
اشاره به جنگ ترکمن ها با روس و قتل عام ترکمن ها گریزی به صحنه
کربلا و شهیدان کربلا زده است

لعنتی دجال لعین قوپغان کیبی بولدی بشر

قیرمیزی قانلار دوکولدی آقدی دریا دک نهر

کربلا شهیدلری دک بولدی اولادِ بشر

کیمی مغرب، کیمی مشرق ساری بولدی دربدر

عرصات قوپدی بو گون مومن لره آخر زمان

(قاضی، 1384: 112)

نتیجه

امام حسین علیه السلام که در دامن مکتب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدر بزرگوارشان امام علی علیه السلام رشد و نمو پیدا کرد و آموزه های دینی را برای برقراری عدالت به حق آموخته بود با یزید بیعت نکرد و برای ایجاد عدالت قیام کرد. قیام تاریخ ساز امام حسین علیه السلام در سال 61ق بی شک برای بسیاری از کشورها و ملت ها الگویی مناسب برای مبارزه با بی عدالتی و برقراری عدالت بوده است. امام علیه السلام با ایمان و اعتقاد راسخ، با علم و آگاهی از سرنوشت با

اندک یاران خود راهی کوفه شد و در یک جنگ نابرابر در مقابل سپاه یزید به شهادت رسیدند. این شهادت چندان در تاریخ تأثیرگذار بوده و هست که پس از قرن ها، هنوز هم یاد شهداء کربلا گرامی داشته و بر مظلومیت آنان گریه و نوحه سر داده می شود. این شهادت بزرگ در تاریخ، بسیاری از حرکت های دیگر مبارزه با ظلم، ستم و جور را فراهم کرده و چه بسا که در ادیان و مذاهب دیگر نیز به عنوان الگو پذیرفته شده است. بسیاری از دانشمندان و علماء در ادیان و مذاهب دیگر نیز از مظلومیت امام حسین علیه السلام دفاع کرده و جفایی که در حق او و یارانش انجام شده را قلم فرسایی کرده اند.

منابع

آربری، آ. ج و دیگران (1377ش)، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، _
تهران، امیرکبیر

ابن اعثم کوفی (بی تا)، تاریخ الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی _
[هروی، بی نا]

ابراهیم حسن، حسن (1380ش)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه _
ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان

احمد، اکبر (1389ش)، اسلام از آغاز تا امروز، ترجمه اردشیر اشراقی، _
تهران، علمی و فرهنگی

اکبریان، سید محمد (محرم الحرام 1398ش)، «قیام امام حسین (ع) از _
دیدگاه اندیشمندان اهل سنت»، ره توشه راهیان نور، دوره 1441، شماره

انصاری، علیرضا (ویژه محرم الحرام 1394ش)، «قیام امام حسین (ع) _
از نگاه دانشمندان غیر مسلمان»، ره توشه راهیان نور، دوره 1437،
شماره 35.

تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی، (1382ش)، تاریخ الفی، _
ترجمه غلامرضا طباطبایی، تهران، علمی و فرهنگی.

حتی، فلیپ خوری (1380ش)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، _
تهران، علمی و فرهنگی.

حیدری آقایی، محمود و دیگران (1386ش)، تاریخ تشیع (1)، تهران، _
سمت.

خواجه سروری، غلامرضا (1390 ش)، بیداری اسلامی در گستره _
(سیاست جهانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

دورانت، ویل (1378ش)، تاریخ ویل دورانت (عصر ایمان / بخش _
اول)، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، تهران، علمی و فرهنگی

ره توشه راهیان نور (1382ش)، مجهول المؤلف، قم، موسسه بوستان
کتاب قم.

رهنما، زین العابدین (1378ش)، زندگانی امام حسین(ع)، تهران، نشر _
زوار.

زرین کوب، عبدالحسین (1393)، دو قرن سکوت، تهران، انتشارات _
سخن.

ش)، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر (1382) _____ _

زیدان، جرجی (1384ش)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر _
کلام، تهران، امیرکبیر

سپری، فریدون (1378ش)، خلفاء راشدین در نظم و نثر فارسی، _
سنندج، انتشارات کردستان

سید بن طاوس، (1396 ش)، لهوف، ترجمه سیداحمدفهری زنجانی، _
تهران، سازمان تبلیغات اسلامی

شریعتی، علی (1391ش)، حسین وارث آدم، تهران، انتشارات قلم و _
بنیاد فرهنگی

صابری، حسین (1393ش)، تاریخ فرق اسلامی، تهران، سمت _

صادقیان تالشی، سید محمد فیاض (1398ش)، «تحلیل عوامل و مبانی _
قیام حسینی از منظر اهل سنت»، فصل نامه تخصصی صراط، شماره 18،
تابستان.

طباطبا، محمد بن علی (1389ش)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید _
گلپایگانی، تهران، علمی و فرهنگی.

طبری، محمد بن جریر (1374ش)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم _
پاینده، تهران، اساطیر.

علیشاهی، علی و امین علیشاهی (1398ش)، «امام حسین (ع) و عاشورا _
پژوهی مستشرقان فرانسوی»، فصلنامه معارف حسینی، سال چهارم،
شماره 16، زمستان.

علیقلی، امیر حسین (1389ش)، امام حسین (ع) از دیدگاه 114 _
اندیشمند، تهران، عابد.

— عمادی حائری، سید محمد (1388ش)، «حسین بن علی، امام» دانشنامه
جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایره المعارف
اسلامی.

— فیاض، علی اکبر (1374ش)، تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه تهران _

— قاضی، مراد دردی (1384 ش)، دیوان مسکین قلیچ، گرگان، عشق _
دانش.

— مبلغی آبادانی، عبدالله (1376ش)، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، قم، _
انتشارات حر

— مجیدی، صدیقه السادات (1381ش)، «امام حسین از منظر اندیشمندان _
و مستشرقین»، کوثر، شماره 4

محسن زاده، احمد (1379 ش)، آفتاب کربلا، قم، انتشارات روحانی _

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، (1378ش)، مروج الذهب، ترجمه _
ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی

نعمانی، عبدالکریم (زمستان 1381ش و بهار 1382ش)، «روایتی از _
انقلاب عاشورا و شهادت حضرت حسین (ع)»، فصل نامه ندای اسلام،
سال سوم و چهارم، شماره 12-13

یعقوبی، احمدابن اسحاق (1382ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه _
محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی

خبرگزاری دانشجویان ایران. ایسنا 4/ 6 <https://www.isna.ir> _
1400/. ساعت 9 صبح

خبرگزاری تسنیم، پنج <https://www.tasnimnews.com>

شنبه 4/ 6/ 1400 ساعت 9 صبح^۱

قیام های برخواسته از قیام حسینی:روح مبارزه جویی . قیام حسین (ع)
پس از دیری خاموشی و تسلیم، از نو موجب برانگیختن روح مبارزه
جویی در انسان های مسلمان گردید . این قیام همه موانع را که مانع قیام
و انقلاب می شد در هم فرو ریخت . مسلمانان به صلح طلبی و معامله
دعوت می شدند . به آنان گفته می شد که جان خود و موقعیت اجتماعی
و مال خود را حفظ کنید در چنین زمانی قیام حسین (ع) روی داد تا به
. انسان های آزاد و اخلاق جدید و سبک نوین زندگی بیاموزد

اما خود خواهی مانع از این بود که مسلمانان و انقلاب دست زنند . قیام
حسین (ع) در وجدان گروه بسیاری از مردم این اندیشه زندگی را
. برانگیخت که با حمایت نکردن از حسین (ع) مرتکب گناه شده اند

باری، این احساس آنان را برانگیخت و آماده قیام ساخت . روح مبارزه
جویی در زندگی ملت ها و فرمانروایشان تاثیر فراوانی دارد . هنگامی که
این شعله به خاموشی گراید و ملت تسلیم فرمانروایان خود شود،

فرانروایان هر چه بخواهند می توانند انجام می دهند و با گذشت زمان با خاموشی روح مبارزه جویی، تسلط بر آنان آسانتر می گردد . از این رو، . در چنین ملتی ایجاد تحول دشوارتر می شود

برای این که از میزان تاثیر قیام حسینی در تحریک روح انقلابی در جامعه اسلامی تصویری روشن نشان دهیم، باید بگوییم که جامعه اسلامی پس از قتل امام علی (ع) تا هنگام قیام حسینی آرام بود . در طول این مدت، هیچ گونه اعتراض و انقلاب جدی اتفاق نیفتاده بود . با همه انواع کشتارها و سرکوب ها و غارت اموال به وسیله امویان و همدستانشان، بیست سال تمام، توده ها حالت تسلیم و اطاعت محض از حاکمان جور داشتند و این وضع از سال چهل تا شصت هجری به طول کشید

اما پس از قیام حسین (ع) ، در مکتب، روح انقلاب دمیده شد و توده ها در انتظار رهبری جدید بودند . و هر گاه رهبری می یافتند، علیه

حکومت بنی امیه دست به انقلاب می زدند . در همه این انقلاب ها، شعار
. انقلابیون خونخواهی از امام حسین (ع) بود

:انقلابی هایی که بواسطه نهضت امام حسین (ع) شکل گرفته عبارتند از

:انقلاب توایین . 1

این انقلاب در کوفه بر پا گردید و واکنش مستقیم به قتل امام بود .
انگیزه آن، احساس گناه به علت یاری نکردن به امام بود . کوفیان
خواستند ننگی را که مرتکب شده بودند . با انتقام از قاتلان امام حسین
(ع) بشویند . این واقعه در سال 65 هجری روی داد . (2)

:انقلاب مدینه . 2

این انقلاب با انقلاب توایین تفاوت داشت ؛ زیرا هدف آن انتقام خون
(حسین (ع) نبود بلکه انقلابی بود علیه حکومت ستمکار بنی امیه . (3)

اهل مدینه علیه امویان شورش کردند و عامل یزید را از مدینه بیرون
راندند . شرکت کنندگان در این قیام، یکهزار نفر بودند . این انقلاب با
(دست سپاهیان شام و با نهایت وحشیگری سرکوب گردید . (3)

قیام مختار ثقفی . 3

در سال 66 هجری، مختار بن عبیده ثقفی در عراق به خونخواهی حسین
(ع) و انتقام قاتلان امام قیام کرد و در یک روز دویست و هشتاد تن از
(آنان را به قتل رسانید . (4)

انقلاب مطرف بن مغیره . 4

در سال 77 هجری، مطرف بن مغیره علیه حجاج بن یوسف شورید و
(عبدالملک بن مروان را از خلافت خلع کرد . 5)

انقلاب ابن اشعث . 5

در سال 81 هجری، عبدالرحمن بن محمد بن اشعث بر حجاج شورید و
عبدالملک مروان را از خلافت خلع کرد . این شورش تا سال 83 به طول
انجامید . در آغاز پیروزی های نظامی به دست آورد، اما بعدها، حجاج به
(کمک ارتش شام بر او غلبه کرد . 6)

انقلاب زید بن علی بن حسین . 6

در سال 122 هجری، زید بن علی در کوفه به شورش برخاست، اما آن
شورش بی درنگ به وسیله سپاهیان شام که در آن هنگام در عراق
(بودند سرکوب گردید . 7)

سرانجام قیام بنی عباس به حکومت بنی امیه پایان داد و آن انقلاب با الهام از انقلاب حسینی و استفاده از خشنودی و رضای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود که پایه های مردمی یافته بود . و مورد توجه توده ها واقع شده بود .

انقلاب ها با منحرفان به مقابله برخاست و هرگز خاموش نگردید . بلکه انسان مسلمان پیوسته انسانیت خود را که حاکمان شعله های آن را خاموش کرده بودند، بیان می کرد، و آن قیام ها به فضل روحیه ای بود . که قیام حسینی در کربلا گسترده و گسترش داد

همانا که قیام حسین (ع) سر آغاز جنگ و قیام در تاریخ انقلاب بود و آن نخستین قیامی بود که طریق مبارزه جویی را به مردم آزاده، که آن روحیه را از دست داده بودند، آموخت

و این نکته را باید اضافه کرد انقلاب ها در سطح جهان در ورای زمان ها تا به امروز به ویژه جنبش ها و نهضت های آزادی بخش اسلامی و شیعی بوده اند . انقلاب ها و جنبش هایی که همواره در وجود مردم ستم دیده . نورانیتی خاص ایجاد می کردند

:پی نوشت

1- قیام حسینی و شرایط آن، محمد مهدی شمس الدین، ص 154

2- تاریخ طبری، انقلاب توایین، ج 4، ص 426، 436

3- تاریخ طبری، انقلاب مدینه، ج 4، ص 366، 381

4- همان، ص 424

5- تاریخ طبری، انقلاب مطرف

6- تاریخ طبری، ص 189، 203

7- مقاتل الطالیین، اصفهانی، ص 139^۲

² <https://hawzah.net/fa/Article/View/13179/%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D8%AC-%D9%88-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AF%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86->

انقلاب اسلامی نتیجه قیام حسینی

در حالی که اکثر انقلاب‌های معاصر، سرچشمه ایدئولوژیک خود را از ناسیونالیسم، بورژوازی، کمونیسم و... می‌گرفتند، به اذعان اکثر اندیشمندان و نظریه‌پردازان داخلی و خارجی، انقلاب اسلامی ایران، انقلابی ایدئولوژیک و مبتنی بر دین اسلام و مکتب تشیع بوده است.

(ن.ک. عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، ص 297) از سوی دیگر مروری بر ادبیات سیاسی رایج در روند وقوع انقلاب اسلامی، شعارها، سخنرانی‌ها و بیانیه‌های انقلابیون، رهبران و اندیشمندان انقلاب، بیانگر این واقعیت است که از میان عناصر مذهبی «فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی» نقش به‌سزایی در این زمینه ایفا نموده و به اعتقاد امام خمینی و رهبر معظم انقلاب، انقلاب اسلامی، پرتوی از نهضت حسینی و رشحه‌ای از رشحات آن به شمار می‌رود.

(ن.ک. صحیفه نور، ج 18، ص 22؛ رهبر معظم انقلاب، 61/8/4) از این روی است که برخی انقلاب اسلامی را از شعله‌های فروزان نهضت سید مظلومان در مقابل دستگاه بنی‌امیه می‌دانستند. (صحیفه امام، ج 2، ص 287)

یکی از عوامل مهم پیروزی‌های روحانیت شیعه در طول تاریخ و مبارزه آنها با نظام‌های سلطه و انکار حقانیت پادشاهان و تلاش برای برقراری نظام عدل عموماً و موفقیت آنها در انقلاب اسلامی ایران خصوصاً، بهره‌مندی از فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی است (ن.ک. مطهری، نهضت‌های صد ساله اخیر: 184). بر همین اساس یکی از رسالت‌های مهم رهبران و اندیشمندان انقلاب اسلامی، در مواجهه با نهضت حسینی، بیان این حقیقت است که نهضت اسلامی ملت ایران با الگو گرفتن از نهضت حسینی و در پیوند کامل با آرمان‌ها و اهداف قیام اباعبدالله(ع) شکل گرفته است.

الهام‌بخشی نهضت حسینی به تمامی نهضت‌های آزادی بخش اسلامی در قرون اخیر و واضح و یّین بودن تاثیر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، به گونه‌ای روشن است که باید روح نهضت ایران را و جهت‌گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن را توجه به حضرت ابی‌عبدالله(ع) و مسائل مربوط به عاشورا دانست. (ن.ک. آیت‌الله خامنه‌ای، 68/5/11 و 70/4/20) هیچ فکری نمی‌توانست توده‌های عظیم میلیونی مردم را آنچنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می‌کردند، در انواع فداکاری،

ذره‌ای تردید نداشته باشند و این تنها معجزه عاشورا و نهضت حسینی است که در انقلاب اسلامی نیز جلوه‌گر شده است. (ن.ک. همو،

68/5/11)

نقش فوق‌العاده نهضت و مجالس حسینی در پیروزی انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که اگر عشق به امام حسین(ع) و یاد او و ذکر مصائب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید. این، عامل فوق‌العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود. (آیت‌الله خامنه‌ای، حدیث ولایت، ج 2، ص 10)

امام خمینی(ره) به عنوان پایه‌گذار انقلاب اسلامی، با درک و بینش متفاوتی که در حوزه فهم دین و به تبع آن فقه سیاسی و مقولات سیاسی داشت و مسائل را به صورت متمایزی نسبت به فقهای پیش از خود مورد توجه قرار می‌داد، با اعتقاد به اینکه زندگی سیدالشهدا(ع) و دیگر معصومین و انبیاء الهی از آدم تا خاتم، بر مبنای مقابله با حکومت جور و تشکیل حکومت عدل بوده است، جرقه انقلاب اسلامی را زده و به مصاف

رژیم جائر پهلوی رفته است. (ن.ک. صحیفه نور، ج 20، ص 191) از همین رو ایشان، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و شهادت را به صورت متفاوتی با فقهای قبلی تفسیر کرد و با توجه به ربط وثیقی که بین این چهار مقوله برقرار کرد، هنگامی که شهادت امام حسین و عاشورا و کربلا و عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را در نظر می گرفت، تفسیری از نهضت حسینی به دست می داد که می توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند. به اذعان اندیشمندانی همچون حمید عنایت و استاد مطهری، قرائتی که امام خمینی از نهضت حسینی ارائه داد و انقلاب اسلامی را بر مبنای آن بنیان نهاد، منحصر به فرد بود، به گونه ای که هیچ فقیه و یا متأله دیگری پیش از ایشان، چنین استفاده ای از این مهم نکرده و مردم و انقلابیون نیز با توجه به همین رویکرد نوین به نهضت حسینی و پیاده کردن آرمان ها و شعارهای حسینی در قالب نهضت انقلاب اسلامی، هویت این نظام را هویتی حسینی و مطابق با نهضت حسینی یافته و به پیروی و حمایت از ایشان پرداختند. (ن.ک. مطهری، نهضت های صد ساله اخیر، صص 119-121)

در واقع امام خمینی با اعتقاد به این امر که قیام و شهادت سیدالشهدا(ع) باید ملاک عمل اجتماعی مسلمانان قرار گیرد، نهضت حسینی را مبنای حرکت خویش در انقلاب اسلامی قرار داد و در همین راستا در مورد رسالت ملت در مقام عاشورا می گوید: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا باید سرلوحه زندگی در هر روز و در هر سرزمین باشد. همه روز باید ملت، این معنا را داشته باشد که امروز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را پیاده کنیم. انحصار به یک زمین ندارد انحصار به یک عده و افراد نمی شود، همه زمین ها باید این نقش را ایفا کنند و همه روزها» (صحیفه نور، ج 4، ص 202). با توجه به همین نکات مهم و اساسی است که امام خمینی با ایجاد پیوند علت و معلولی بین نهضت حسینی و انقلاب اسلامی، معتقد است اگر قیام سیدالشهداء به وقوع نمی پیوست، انقلاب اسلامی نیز به وقوع نمی پیوست و پیروز نمی شد. (صحیفه امام، ج 16، ص 346) با گذار از اثبات اصل تاثیرپذیری انقلاب اسلامی از نهضت حسینی، نوبت به تبیین نمونه های عینی این تاثیر گذاری می رسد. نهضت حسینی دارای مؤلفه های گوناگونی از قبیل: فرهنگ شهادت، فرهنگ مبارزه مستمر

حق با باطل، فرهنگ طاغوت‌ستیزی و طاغوت‌زدایی، اصل پیروی از رضای خدا و مصالح مسلمین و فرهنگ پیشگیری از جرم و فساد، قبل از وقوع آن در فرهنگ نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر و... است که این مؤلفه‌ها در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی نقش و تاثیرات بسزایی داشته و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نیز در گرو حرکت (در این چارچوب است). (صحیفه امام، ج 17، ص: 482)

یکی از تاثیرات نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، تاثیرگذاری در اهداف و انگیزه‌های انقلابیون است. هدف و انگیزه مردم ایران از انقلاب اسلامی، نابودی ظلم، استبداد و استکبار و برپایی حکومت عدل الهی و اجرای احکام اسلامی به عنوان «معروف» و جلوگیری از وابستگی به اجانب و بیگانگان، به عنوان «منکر» بود، که عیناً همان انگیزه و هدف امام حسین(ع) از قیام عاشورا بود که فرمود من برای اصلاح امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم. از همین‌رو یکی از مهم‌ترین شعارهای انقلابیون، حسینی بودن نهضت و انقلاب اسلامی بود.

تأثیر دیگر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، اثرگذاری در حوزه رهبری انقلاب بود. حقیقت آن است که وجود رهبری حسین گونه امام خمینی(ره) یکی از مهم ترین تأثیرات نهضت حسینی در پیدایش انقلاب اسلامی به شمار می رود. انقلابیون ایران، صلابت، شهامت، شجاعت، قاطعیت، سازش ناپذیری و روح حماسی امام حسین(ع) را در شخصیت امام خمینی(ره) متجلی دیدند و شرایطی که امام حسین(ع) برای رهبر و حاکم جامعه اسلامی توصیف می کرد، در او یافتند. (ن.ک. مطهری، نهضت های صد ساله اخیر، صص 119-121)

تأثیرگذاری دیگر نهضت حسینی بر انقلاب اسلامی، تأثیر بر شیوه مبارزه بود. کیفیت مبارزه و اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود، باید چه طور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است» (صحیفه امام، ج 17، ص 56). همچنین با مروری بر مقاطع سرنوشت ساز در پیروزی انقلاب اسلامی، مشخص می شود که نقطه آغازین انقلاب، ایام عزاداری حسینی و با الهام از آموزه های نهضت عاشورا بود. به عنوان نمونه قیام 15 خرداد که نقطه عطفی برای انقلاب به شمار می رود. نمود این اثرپذیری را

می‌توان در قیام 15 خرداد و سالگردهای آن مشاهده کرد. (صحیفه امام، ج 16، ص 290). هفدهم شهریور نیز یکی از مقاطع مهم انقلاب است که تحت تاثیر نهضت حسینی و فرهنگ عاشورا شکل گرفت که آن را تکرار کربلا و شهدای آن را تکرار شهدای کربلا می‌دانند. (صحیفه امام، ج 16، ص 346)

تاثیر نهضت حسینی بر حفظ و تداوم انقلاب اسلامی نیز تاثیری عمیق است. بر این اساس می‌توان انقلاب اسلامی را انقلابی حسینی الحدوث و البقاء دانست. حقیقت این است که این انقلاب از حادثه عاشورا الهام گرفته و از برکات و رشحات آن به شمار رفته به وسیله آن رهنمون شده است. رویکرد استکبارستیزی و مقاومت در مقابل جور که در روح جوانان ایرانی دمیده شده بود و باعث ایستایی و پیشرفت این انقلاب شد، همه و همه از برکات عاشورا است. (آیت‌الله خامنه‌ای، 1363/7/12؛ نیز ن.ک. صحیفه امام، ج 17، ص 439) بر این اساس بدیهی است که اگر انقلاب اسلامی بخواهد بر مبنای آن فرهنگی که شکل گرفته است تداوم یابد، ناگزیر باید به همان فرهنگ توجه مستمر داشته باشد. روحیه شهادت‌طلبی، آزادگی و شرف، عزت نفس، مبارزه با ظلم و ستمگری،

مخالفت با تخطی از احکام اسلام و... در عرصه‌های مختلف و در ابعاد
گوناگون همه باید به آموزه‌های نهضت امام حسین(ع) و فرهنگ عاشورا
(پایبند باشد) (صحیفه امام، ج 15، ص 230 و 331)

نقش انقلاب اسلامی در تبیین نهضت امام حسین(ع)

و گسترش فرهنگ حسینی

پس از تبیین نقش نهضت حسینی در انقلاب اسلامی و پیروزی آن، اینک
نوبت بررسی نقش انقلاب اسلامی در تبیین صحیح نهضت حسینی و نیز
نقش آن در گسترش فرهنگ عاشورایی و حسینی رسیده است. نکته
اساسی در تبیین نسبت بین انقلاب اسلامی و نهضت حسینی، این است که
رابطه این دو با یکدیگر رابطه‌ای هم‌افزایانه است؛ بدین معنا که اولاً
انقلاب اسلامی پرتوی و جلوه‌ای از جلوات نهضت حسینی بوده و این
نهضت عامل اصلی پیروزی انقلاب اسلامی است. (ن.ک. صحیفه نور،
ج 18، ص 22؛ رهبر معظم انقلاب، 61/8/4) از سوی دیگر، با آغاز
انقلاب اسلامی، رویکردی نوین به نهضت حسینی به وجود آمد و قیام
امام حسین(ع) به صورت کاربردی و ملموس در اختیار انقلابیون قرار

گرفت. برداشتی که شاید در طول تاریخ انجام نگرفته و سابقه نداشته است، چه اینکه اگر واقع شده بود، انقلاب اسلامی بایستی خیلی زودتر از این‌ها اتفاق می‌افتاد. (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، 57/8/9) محرم و ماهیم آن تا قبل از انقلاب اسلامی کم معنا و خالی از محتوا بودند و با (این انقلاب و پس از آن بود که این ماهیم معنا گرفتند. (همو، 58/9/5 واقعیت آن است که غالباً در طول تاریخ نگاه‌ها و رویکردها به نهضت حسینی، رویکردی احساسی و عاطفی بوده است و تنها در تاریخ معاصر – خصوصاً در بستر انقلاب اسلامی – است که نوع نگاه به عاشورا از محدوده احساسات خارج شد و بدون اینکه از ارتباط عاطفی با این واقعه چیزی بکاهد، توفیق برقراری رابطه‌ای عقلانی با این حادثه را نیز از آن خود ساخته است. حتی در اوان انقلاب اسلامی نیز برخی روشنفکرانها در صدد القای رویکردی صرفاً احساسی و عاطفی و سلب جنبه‌های دیگر از آن بودند، اما در برابر عظمت و شکوه تفسیر و رویکرد نوین انقلاب اسلامی به نهضت حسینی، کم‌رنگ شدند (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج 2، ص 7-8)

بنیانگذار انقلاب اسلامی، با درک و بینش متفاوتی که در حوزه فهم دین و به تبع آن فقه سیاسی و مقولات سیاسی داشت، مسائل را به صورت متمایزی نسبت به فقهای پیش از خود مورد توجه قرار داد. ایشان با تغییر رویکرد بنیادین به نهضت حسینی و نفی رویکردهای تقلیل‌گرایانه و گاه غلط و ناقص به نهضت حسینی، جملگی معارف، شعارها و نمادهای مرتبط با آن را نیز با همان رویکرد تبیین می‌نماید. (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، حدیث ولایت، ج 2، ص 10-11)

در منطق امام خمینی، جهات مختلف عاطفی، سیاسی و مکتبی عاشورا پیوند خورده و به میزان اهمیت و جایگاه هر یک توجه شده و دردمندانه کسانی که گرفتار تفسیرها و برداشت‌های یک بعدی شده‌اند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. ایشان بر این باورند کل نهضت و حرکات و سکنات امام حسین(ع) در فرآیند آن سیاسی بود؛ به گونه‌ای که نمودار و جلوه اسلام سیاسی قلمداد شده و حفظ و احیای آن نهضت مقدس، عملی عبادی- سیاسی به شمار می‌رود (صحیفه امام، ج 18، ص 177؛ ج 13، ص 327؛ آیت‌الله خامنه‌ای، 92/8/20). بر همین اساس ایشان با اعتقاد به اینکه زندگی سیدالشهدا(ع) و دیگر معصومین و انبیاء الهی از آدم تا

خاتم، بر مبنای مقابله با حکومت جور و تشکیل حکومت عدل بوده است، جرقه انقلاب اسلامی را زده و به مصاف رژیم جائر پهلوی رفته است (ن.ک. صحیفه نور، ج 20، ص 191). بدینسان بود که در پرتو آغاز انقلاب اسلامی درهای جدیدی در تحلیل صحیح و بهره‌بری کامل و اساسی از نهضت حسینی گشوده شد و تکلیف‌مداری قیام عاشورا را سرمشق و الگوی انقلاب اسلامی قرار داد. (صحیفه نور، ج 4، ص 16) از همین‌رو حضرت امام، تقیه، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و شهادت را به صورت متفاوتی با فقهای قبلی تفسیر کرد و با توجه به ربط وثیقی که بین این چهار مقوله برقرار می‌کرد، هنگامی که شهادت امام حسین و عاشورا و کربلا و عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را در نظر می‌گرفت، تفسیری از نهضت حسینی به دست می‌داد که می‌توانست کنش انقلابی علیه رژیم پهلوی را برانگیزاند.

نمونه دیگر شعار پیروزی خون بر شمشیر در ماه محرم است. تفسیری که امام از این مهم ارائه می‌دهد و از آن بهره می‌گیرد، تفسیری عظیم، عجیب و تاریخی است که اثر اساسی در تبیین حقیقت نهضت حسینی

داشته و در روند پیروزی انقلاب اسلامی نیز اثری معتنا به داشته است.

رهبر معظم انقلاب، 1390/9/21

قلمدادِ امر به معروف و نهی از منکر به عنوان هدف امام حسین(ع) یکی از نشانه‌های اصیل رویکرد نوین به نهضت حسینی است. به بیان دیگر با پذیرفتن امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک هدف سیاسی برای قیام امام، قدم بلندی در تبیین نوین و سیاسی از آن برداشته‌ایم. این هدف، ما را به این جهت رهنمون می‌کند که کربلا را صرفاً به عنوان یک قضیه شخصی در نظر نگیریم. به سخن دیگر، اگر قرار شد که تمام ماجرا در یک آگاهی پیشین با یک دستور ویژه در رفتن به سوی شهادت خاتمه یابد، گرچه ممکن است به ظاهر منزلت امام از لحاظ معنوی بالاتر رفته باشد، اما به همان مقدار بعد سیاسی قضیه محدود می‌شود. (حماسه حسینی، ج3، صص 84-86)

علاوه بر تبیین صحیح نهضت حسینی در پرتو انقلاب اسلامی، در حوزه گسترش فرهنگ حسینی و عاشورائی نیز سهم به‌سزایی متوجه انقلاب اسلامی است. در واقع همین رویکرد نوین و تبیین فلسفه صحیح نهضت

حسینی در انقلاب اسلامی، مهم‌ترین عامل در گسترش فرهنگ حسینی بوده است (ن.ک. رهبر معظم انقلاب، 57/8/9). زنده نگاه داشتن نهضت حسینی یکی از فرائض اصلی انقلاب اسلامی است و از لحاظ اهمیت، احیای نهضت حسینی، هم‌تراز با اقامه نماز تلقی می‌شود! فلسفه وجودی انقلاب اسلامی، احیای شعائر اسلامی است و زنده نگاه داشتن نهضت حسینی نیز از جمله بنیادی‌ترین شعائر اسلامی و شیعی است و در زمره مهم‌ترین اعمال سیاسی و عبادی قرار دارد. (صحیفه امام، ج 13،

تأثیر قیام حسینی بر شهادت طلبی رزمندگان اسلام

رزمندگان در طول دوران دفاع مقدس با الگو قرار دادن امام حسین (ع) و واقعه عاشورا به مبارزه با دشمن پرداختند و قیام امام حسین (ع) یک انگیزه والا برای رزمندگان در راه جهاد در جبهه حق علیه باطل بود. شهدا و رزمندگان افتخار این را دارند که پیرو مکتب امام حسین (ع) باشند و با تمام وجودشان به سید و سالار شهید عشق بورزند. عاشورا اوج فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی است. فداکاری و شهادت برجسته‌ترین خصوصیت عاشورا هستند که رزمندگان با تأسی از آن، راهی جبهه می‌شدند و با قطرات سرخ خون‌شان، اجازه تسلط مستکبران و دشمنان را نمی‌دادند. دفاع مقدس جلوه‌ای دیگر از عاشورا بود که رزمندگان با رشادت‌شان آن را به مردم ایران و جهانیان نشان دادند. در فرهنگ

عاشورایی، تسلیم و ترس جایی ندارد و آماده بودن در صحنه مبارزه و
مقابل ناحق ایستادن یک اصل اساسی به شمار می‌رود.

درس‌های مکتب عاشورا

فرهنگ عاشورا عامل هویت بخش مهمی در جامعه ما به شمار می‌رود.
قیام امام حسین (ع) و دفاع مقدس هشت ساله، شباهت‌های فراوانی با هم
دارند و با مقایسه این دو واقعه می‌توان گفت نهضت حسینی در
دفاع مقدس تجلی یافته است. رزمندگان با الگو قرار دادن نهضت حسینی
به دفاع از کشور پرداختند. در طول دوران دفاع مقدس رزمندگان در
محرم و عاشورا نام اباعبدالله (ع) را به عنوان بزرگترین انگیزه خود
می‌دانستند و همین انگیزه والا مهم‌ترین تأثیرگذاری را در طول
دفاع مقدس داشت. فرهنگ شهادت‌طلبی و ایثار در راه خدا اولین درس

مکتب عاشوراست و عشق به امام حسین (ع) و کربلای حسینی در جان و کلام رزمندگان جاری بود.

راه امام حسین (ع) بهترین راه برای مقابله با دشمن بود که اگر در دفاع مقدس مسیر سیدالشهدا (ع) را نمی رفتیم در مقابل دشمن تسلیم می شدیم. نهضت عاشورا بود که به مردم ما آموخت اگرچه تعداد اندک باشد و تجهیزات و قدرت ظاهر محدود و با هر گروه سنی و در هر موقعیتی تکلیف از دوش ما در برابر ظالم و متجاوز ساقط نیست. عاشورا الگوی عملی برای مجاهده و مبارزه بود، از زن و مرد، از خرد و کلان دیدیم آن ها که به این کلاس رفتند، چگونه آموخته هایشان را در هشت سال امتحان الهی باز پس دادند و سرافراز ماندند.

ریشه های بینشی و ارزشی دفاع مقدس را باید در قیام عاشورا و نهضت امام حسین (ع) جست و جو کرد. شاخص ترین عنصر مشترک در قیام عاشورا و دفاع مقدس «وفاداری» و «فداکاری» است. این ویژگی هم در

رهبر و هم پیروان دو نهضت حضوری پررنگ داشت. امام حسین (ع) در همین خصوص می‌فرماید: «من یارانی باوفاتر و و بهتر از اصحاب خود و اهل‌بیتی نیکوتر از اهل بیت خود سراغ ندارم. پس خداوند از طرف من «به شما خیر دهد

فرهنگ عاشورایی

در سال‌های دفاع مقدس فرهنگ حاکم بر رزمنده‌ها کاملاً فرهنگی عاشورایی منبعت از حماسه عاشورا بود، به نحوی که حتی نامگذاری عملیات‌ها و وداع رزمندگان در شب‌های عملیات در واقع نوعی تجلی شب عاشورا و تجلی میعاد و عهد یاران امام حسین (ع) با ایشان در شب عاشورا بود. هیچ عاملی مؤثرتر و قوی‌تر از فرهنگ عاشورا و امام حسین (ع) نمی‌توانست انگیزه مبارزه‌ای الهی برای دفاع از کشور باشد.

از جمله نمودها و جلوه‌های عاشورا در فرهنگ دفاع مقدس، نامگذاری لشکرها، گردان‌ها، گروهان‌ها، پادگان‌ها، قرارگاه‌ها و حتی سنگرهای رزمندگان به نام‌های آشنای کربلا، یاران و مظاهر فرهنگی عاشورا است. در مجموع، حدود نیمی از نام لشکرها و تیپ‌ها برگرفته از فرهنگ عاشورا است.

اعزام‌های سراسری رزمندگان و اعزام‌های محلی و منطقه‌ای، چه به لحاظ شیوه اعزام و چه به لحاظ نامی که بر پیشانی هر رزمنده می‌درخشید، راوی شوریدگی و شیفتگی به کربلاست. کاروان‌ها در میان بدرقه پرشکوه مردم، در طنین صلوات، زیارت عاشورا و شعارهای حماسی راهی جبهه می‌شدند و در پیشاپیش آن‌ها پرچم‌هایی در اهتزاز بود که عنوان‌هایی، چون راهیان کربلا، انصارالحسین (ع) و وارثان عاشورا بر آن‌ها نقش بسته بود.

مداحان با نواهای شان دل‌ها را از عشق به امام حسین (ع) لبریز می‌کردند: «**هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله** / هر که دارد سر همراهی ما بسم الله»، «با نوای کاروان / بار بندید هم‌رهان / این قافله عزم / کرب و بلا دارد» و «ندای هل من ناصر حسینی / لبیک یا خمینی / پیش به سوی حرم حسینی / لبیک یا خمینی» روی پیشانی بندهایشان هم «یا ابا عبدالله»، «یا حسین»، «زائر کربلا»، «یا حسین شهید»، «مسافر کربلا»، «یا ثارات الحسین» و «لبیک یا حسین (ع)» نوشته بودند تا اوج ارادت‌شان را به سالار شهیدان نشان دهند. رزمندگان با چنین روحیه‌ای وارد جبهه می‌شدند و در فضای جبهه این روحیه‌شان را تقویت می‌کردند.

رزمندگان این شعر رو با گریه می‌خواندند:

ای عاقلای بیاید بیرون از خونه‌ها به من می‌گند دیونه.. از کوچیکی تا حالا به دوست خوبی داشتم

زندگیمو روی همون دوست خوبم گذاشتم

مردای عالمو بین که مردشن به مولا

تموم پیغمبرامون خاطرخواشن به مولا

اسم مقدسش دلو میلرزه به قرآن

من چی بگم دیوونه ها بهش میگن حسین جان

زندگی با یاد سیدالشهدا(ع)

نگاهی به سیره و منش رزمندگان اوج ارادت و عشق آنها به سیدالشهدا را نشان می‌دهد. آنها در سخت‌ترین شرایط هم از یاد امام حسین (ع) غافل نبودند و با عشق به امام و اهل بیت‌شان نبرد می‌کردند. با توسل به امام حسین (ع) سخت‌ترین لحظات در پیش چشم‌هایشان جایی نداشت و هیچ موقعیتی آنها را از فکر شهادت و مبارزه نمی‌ترساند. عشقی که از اهل بیت در دلشان داشتند به آنها غیرت و شجاعت می‌داد و کاری

می کرد تا رزمندگان شهادت را در آغوش بکشند و از کشته شدن در راه
دین خدا ترسی نداشته باشند.

شهید علی نوری در عملیات «فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا» به
شهادت رسید. خاطره شهادت او، حرف های بسیاری در خود دارد. در
کتاب مصطفی درباره شهادت ایشان چنین آمده است: «حاج آقا
ردانی پور! علی نوری بود صدا می کرد. گوشه خاکریز افتاده بود، زخمی،
آب می خواست. گفتیم: آب برایت خوب نیست، اما باز اصرار می کرد.
مصطفی گفت: آب می دهم به شرطی که کم بخوری. به خاطر خونریزی
برایت خوب نیست. وقتی آب دادیم، ظرف آب را از نزدیکی لب های
خشکیده اش برگرداند و گفت: این لحظات آخر بگذار مثل اربابم تشنه
شهید شوم. رو به کربلا، با صدایی لرزان گفت: السلام علیک یا ... سرش
» روی دامن مصطفی بود. صدای هق هق مصطفی از دور هم شنیده می شد

حرف‌ها و خاطرات زیادی از شهید علی چیت‌سازیان فرمانده شجاع لشکر ۳۲ انصارالحسین (ع) درباره عشق و ارادت به سیدالشهدا به یادگار مانده است. شهید چیت‌سازیان در گرمای جانسوز تابستان وقتی اولین قالب را انداخت در تانکر، صدای یکی بلند شد که از کله سحر تا حالا برای دو قالب یخ ایستادیم. مگر نوبتی نیست؟ اما علی گفت: اول نوبت گلوی تشنه پسر فاطمه (ع). با صاحب کارخانه شرط کرده بود که اول یخ تانکر نذری را می‌دهد بعد بقیه را. با خط نه‌چندان خوبش هم روی تانکر نوشته بود سلام بر گلوی تشنه حسین (ع)

یکی دیگر از رزمندگان در خاطره‌ای از این شهید والامقام چنین می‌گوید: «ناخواسته پایم به پاشنه کفشش گیر کرد و کف کفشش کنده شد. با شرمندگی گفتم: علی آقا! بیا کفش من را بپوش، اما با خوشرویی نپذیرفت و تا مقر با پای برهنه و لنگ‌لنگان آمد. وقتی برگشتیم با دیدن پاهای زخمی و تاول زده‌اش، باز شرمنده شدم، اما ایشان از من تشکر کرد. متعجبانه گفتم: تشکر چرا؟ گفت: چه لذتی بالاتر از همدردی با

اسیران کربلا. شما سبب توفیق بزرگی برای من شدید. تمام این مسیر
». برای من روزه بود؛ روزه یتیمان اباعبدالله

اما یکی از زیباترین نجواهای عارفانه را شهید مصطفی چمران با مولایش
دارد. شهید چمران با نگاهی مملو از عشق و معنویت خطاب به امام
حسین (ع) می نویسد: «ای حسین! در کربلا، تو یکایک شهدا را در
آغوش می کشیدی، می بوسیدی، وداع می کردی. آیا ممکن است هنگامی
که من نیز به خاک و خون خود می غلتم، تو دست مهربان خود را بر قلب
سوزان من بگذاری و عطش عشق مرا به تو و به خدای تو سیراب کنی؟
از این دنیای دون می گریزم. از اختلافات، خودنمایی ها، غرورها،
خودخواهی ها، سفسطه ها، مغلطه ها، دروغ ها و تهمت ها خسته شده ام.
احساس می کنم که این جهان، جای من نیست. آنچه دیگران را خوشحال
می کند، مرا سودی نمی رساند. سرورم! آمده ام تا در رکابت علیه کفر و
ظلم و جهل بجنگم. با همه وجود آمده ام. تا سو عاست. گروهی بزرگ از
یزیدیان با تانک ها و توپ ها و زره پوش ها و ماشین های زیاد و سربازان

فراوان در حرکت هستند. حق با باطل روبه‌رو شده است. دشمن سیل آسا
«پیش می‌آید و من می‌خواهم مثل یکی از اصحاب تو در کربلا بجنگم

با یاد کربلا

مروری بر وصیتنامه شهدا نیز به خوبی عشق و ارادت‌شان به سالار و
سرور شهیدان را نشان می‌دهد. شهیدان دلایل بسیاری برای حضور در
جبهه‌های حق علیه باطل در وصیتنامه‌هایشان بیان کرده‌اند. یکی از
اشارات آن‌ها تأسی به عاشورا و امام حسین (ع) بوده است. آن‌ها ضمن
تأسی به سیدالشهدا (ع) بر ادامه راه این امام همام تأکید کرده‌اند

شهیدرضا زارع در قسمت‌هایی از وصیتنامه‌اش نوشته است: «ای قافله‌دار
کربلا صبر کن که قافله پیر جماران دارد می‌آید، این قافله ما فریاد
می‌زند که حسین جان ما مثل تو وارد جنگ شدیم. حسین جان، ظالمانه،
جنگ را به ما تحمیل کردند، اما حسین جان ما مثل تو جنگ را تمام

می‌کنیم. حسین جان همه آرزوی زیارت دارند، همه آرزوی شهادت دارند. آیا دیده‌اید شهیدان خدایی را، آیا این‌ها نمی‌دانستند که اینگونه خواهند شد؟...، اما عشق حسین و نور ایمان مگر می‌گذارد که در خانه‌ها
»بمانند

شهید محمد رضا ایزدپور در حیات بابرکتش جز عشق به امام حسین (ع) چیز دیگری نمی‌شناخت. در جبهه در هر محفلی که می‌نشست، می‌گفت عشق حسین بن علی (ع) ما را به این وادی کشانده و بس. پیش از شهادت از مادرش خواسته بود مراسم مرا بسیار ساده بگیرید، سر در خانه پرچم عزاداری حسین را نصب کنید و جز اسم حسین، اسم دیگری بر در خانه نزنید، روی سنگ قبرم بنویسید فدایی امام حسین (ع)
»«ان شاء الله قبول کند

شهید یعقوب مهدی زاده در بخشی از وصیتنامه خطاب به مادر خود می‌نویسد: «مادرم، عشق حسین مرا بدین وادی کشانده، نباید حسین را تنها گذاشت و باید به یاری‌اش شتافت. لحظه‌ای فکر کن و کربلا را به

یاد آور و اباعبدالله الحسین (ع) را که تنها ۷۲ نفر به او پیوستند، تصور کن و امروز لحظات حساسی است و امام نیز فرزند او و از تبار حسین (ع) است.» نگاهی به آمار به خوبی نشان از ارادت رزمندگان به فرهنگ عاشورا دارد. از مجموع ۹۵ عملیات کوچک و بزرگ دفاع مقدس (از عملیات امام مهدی (عج) در تاریخ ۵۹/۱۲/۲۶ تا عملیات مرصاد در تاریخ ۶۷/۵/۵)، ۲۷ عملیات نام و رمز عاشورایی و کربلایی داشتند که از این تعداد، نام ۱۹ عملیات و رمز ۱۴ عملیات عاشورایی بود. این نامگذاری‌ها از ارادت، ایمان و معرفت عاشورایی سرچشمه می‌گیرند و گواه آن هستند که نام امام حسین (ع)، عاشورا و کربلایش الهام‌بخش راهنما و پشتوانه روحی و فکری هشت سال دفاع مقدس بوده است.^۳

^۳ <https://www.javanonline.ir/fa/news/1017094/%D8%A7%DB%8C%D8%AB%D8%A7%D8%B1-%D9%88-%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AA-%D8%B1%D8%B2%D9%85%D9%86%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%86-%D8%B1%DB%8C%D8%B4%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%D8%B9%D8%A7%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7-%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA>